

## تأثیر موقعیت ژئوپلیتیکی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

نویسنده: سید حمزه صفوی همای<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۱۰/۱۵

تاریخ تأیید مقاله: ۸۶/۱۱/۱۴

صفحات مقاله: ۸۳-۹۷

### چکیده

شناخت و توجه به وضعیت ژئوپلیتیک هر کشور، مسئولان و تصمیم‌سازان سیاست خارجی آن کشور را قادر خواهد ساخت نسبت به ویژگی‌ها، مزیت‌ها، محدودیت‌ها و پتانسیل‌های کشور خود شناخت کامل‌تری پیدا کنند که در پرتو این شناخت، با ضریب اطمینان بیش‌تر و توجه به سطوح مختلف ظرفیت‌ها و پیامدهای اتخاذ تصمیمات، در جهت کسب حد اکثر منافع ملی، به تصمیم‌گیری در این حوزه بپردازند.

در ایران تلاش‌های ارزشمندی در این حوزه تا به حال صورت گرفته است، اما توجه به ملاحظات ژئوپلیتیکی در سیاست خارجی کشور موضوعی است که با توجه به میزان اهمیت آن کم‌تر به‌طور جدی به آن پرداخته شده است.

نگارنده طی این مقاله تلاش خواهد کرد با توجه به عناصر کلیدی ژئوپلیتیک یعنی سیاست، قدرت و جغرافیا، هر کدام از این عناصر را در ارتباط با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار دهد.

## کلید واژگان

ژئوپلیتیک، سیاست خارجی، منطقه‌ی ژئوپلیتیکی، قدرت، جغرافیا، سیاست،

روابط بین‌الملل

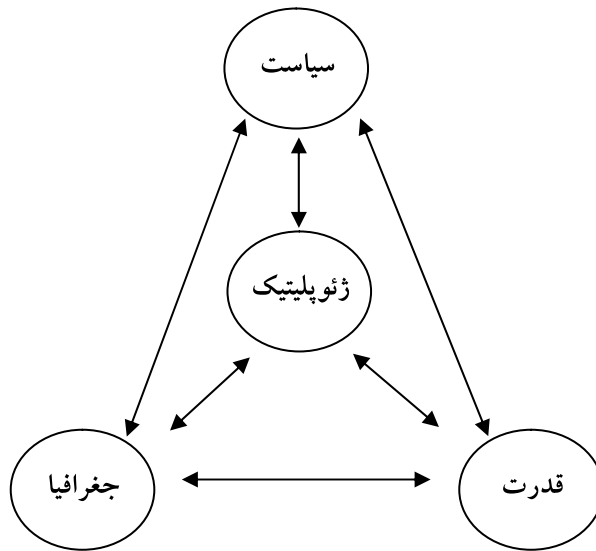
## مقدمه

نیکلاس اسپایکمن معتقد بود که مطالعه جغرافیایی یک کشور در جهان با سیاست خارجی آن کشور توافقی اساسی دارد.<sup>(۱)</sup> توجه به ویژگی‌ها و ملاحظات ژئوپلیتیک کشورها باعث خواهد شد که سیاستمداران، به نقاط قوت و ضعف کشور واقف شوند و در اتخاذ خط مشی‌های سیاسی و بین‌المللی از واقع‌بینی لازم برخوردار گردند و اهداف و منافع خود را متناسب با توانایی‌ها، نقش و جایگاه خویش در عرصه روابط و مناسبات بین‌المللی تعقیب نمایند.<sup>(۲)</sup>

ژئوپلیتیک در چشم‌انداز کلان، همه عرصه‌های زندگی سیاسی و اجتماعی را در سطوح گوناگون داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی متأثر می‌سازد. هرچند که درباره اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی بر سیاست خارجی دیدگاه‌های مختلف وجود دارد و نظرات و مکتب‌های مختلفی مطرح است، اما از نظر علمی یکی از بهترین تعاریف ژئوپلیتیک این است که ژئوپلیتیک در قالب یک مفهوم ترکیبی قابل تبیین است که در آن سه عنصر اصلی سیاست، قدرت و جغرافیا دارای خصلتی ذاتی هستند.<sup>(۳)</sup> در این تعریف سه پارامتر جغرافیا، قدرت و سیاست الگوهای رفتاری گروه‌های متشکل انسانی را نسبت به یک‌دیگر تعیین می‌کند که آن‌ها را در اشکال مختلفی شامل موارد ذیل می‌توان ملاحظه نمود:

نوسان قدرت، رقابت، همگرایی، واگرایی، نفوذ، بحران، سلطه، زیر سلطه، ائتلاف، صلح، همکاری، امنیت، آرامش و ثبات، تجارت، مبادله و ...  
الگوهای رفتاری مزبور، محصول ترکیب پارامترهای سه‌گانه یاد شده است که می‌تواند به‌عنوان مبنای فلسفی پایداری برای ژئوپلیتیک به حساب آید.

تعریف ژئوپلیتیک<sup>(۴)</sup>



ناحیه یا منطقه ژئوپلیتیکی و کارکرد سیاسی<sup>(۵)</sup>

منطقه ژئوپلیتیکی عبارت است از بخشی از سطح زمین یا مجموعه‌ای از کشورها و واحدهای سیاسی - فضایی هم‌جوار، اعم از خشکی یا آبی یا تلفیقی که بر اساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص دارای تجانس و هویت مشخص و کارکرد مشترک بوده و از سایر مناطق و نواحی متمایز گردد؛ مانند: منطقه خلیج فارس، دریای خزر، قاره اروپا و جنوب شرق آسیا.

اگر عناصر ساختاری و کارکردی منطقه جغرافیایی به صورت انفرادی یا اجتماعی یا به صورت ناقص و یا کامل از بعد سیاسی نقش‌آفرین شود، منطقه جغرافیایی تغییر ماهیت داده و به صورت یک منطقه ژئوپلیتیکی در صحنه ظاهر می‌شود.

در یک منطقه ژئوپلیتیکی عوامل و متغیرهای طبیعی و انسانی آن دارای کارکرد سیاسی بوده و نظر دولت‌ها و کشورهای درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای

و به‌ویژه قدرت‌های جهانی را به خود جلب می‌کند و کنش و واکنش آن‌ها و پیدایش الگوی رقابت، همکاری و نزاع را بر می‌انگیزاند.

منطقه ژئوپلیتیکی بسترساز شکل‌گیری الگوی فضایی روابط سیاسی دولت‌های درون‌منطقه‌ای و برون‌منطقه‌ای است.

منطقه ژئوپلیتیکی در فرایند تکاملی خود به سازه ژئوپلیتیکی تبدیل می‌شود. در این حالت نیروهای سیاسی منطقه‌ای و غیر منطقه‌ای فعال شده و فرایندهای همگرایی، واگرایی، کشمکش، ستیز، همکاری و تعاون توسعه می‌یابد. نیروهای ترکیب‌کننده و تجزیه‌گر فعال می‌شوند و روابط سیستمی دولت‌ها و بازیگران درون‌منطقه‌ای و برون‌منطقه‌ای مبتنی بر عناصر ساختاری و کارکرد منطقه به‌صورت پیدا و پنهان شکل گرفته و توسعه می‌یابد. چنانچه نیروهای سیاسی فعال در سازه ژئوپلیتیکی اعم از درونی و برونی بر اساس عناصر و خصیصه‌های ساختاری و کارکردی درون منطقه‌ای با یکدیگر به تفاهم و همسویی رسیده و نوعی همبستگی و وابستگی متقابل توأم با درک مشترک نسبت به امور منطقه فراهم آید سازه ژئوپلیتیکی به‌صورت تک‌معیاری یا چندمعیاری به کمال و همگرایی می‌رسد و بسترساز تأسیس سازمان منطقه‌ای می‌شود.

در منطقه سازه ژئوپلیتیکی تلاش‌های دیپلماتیکی، رایزنی‌های سیاسی و لابی‌ها توسعه یافته و نوعی خودآگاهی درون‌منطقه‌ای برای ضرورت توسعه همکاری متقابل و برقراری صلح و امنیت در منطقه شکل می‌گیرد و به‌صورت فلسفه‌ای درون منطقه‌ای، ایجاد و تأسیس سازمان رسمی منطقه‌ای را مورد تأکید قرار می‌دهد که در صورت غلبه نهایی نیروهای همگرا بر نیروهای واگرا، سازمان منطقه‌ای شکل گرفته و تأسیس می‌شود.<sup>(۶)</sup> به‌عنوان مثال، منطقه ژئوپلیتیکی اروپا به کمال همگرایی رسیده و در مرحله سازمان منطقه‌ای فعال قرار دارد (اتحادیه اروپا). در حالی که در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس و دریای خزر، کشمکش بین نیروهای همگرا و واگرا ادامه دارد.<sup>(۷)</sup>

بر این اساس، در فضای جدید تغییر و تحولات محیط ژئوپلیتیکی ایران، رابطه سیاست ایران را با ژئوپلیتیک بررسی می‌کنیم. واقعیتی تقریباً تردیدناپذیر است که تأثیر وزن ژئوپلیتیک ایران هم‌چنان به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده سیاست و مناسبات خارجی و بین‌المللی در تمام معادلات خاورمیانه‌ای، اعم از صلح و امنیت پایدار، اقتصاد، فرهنگ و روابط تجاری درون منطقه‌ای و بیرون منطقه‌ای تأثیرگذار است. هم‌چنین سیاست خارجی ایران در عراق، لبنان و افغانستان بیش‌ترین حوزه مرتبط با غرب و آمریکا است که از موقعیت ژئوپلیتیکی برتر ایران در منطقه خاورمیانه متأثر می‌شود. سیاست خارجی ایران در طول تاریخ خصوصاً طی پنج قرن گذشته (از دوره صفویه تا کنون) با چه‌گونگی مناسبات ژئوپلیتیکی پیوندی عمیق خورده است.<sup>(۸)</sup>

### عوامل مؤثر جغرافیایی که در سیاست خارجی ایران تأثیر گذار است عبارتند از:

- ۱ - موقعیت نسبی جغرافیایی ایران در سه منطقه حساس خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز که ایران را قادر می‌سازد در پیدایش تشکلهای منطقه‌ای، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و کارکردهای مختلف آن نقش مؤثری داشته باشد و حتی فرایند سیاسی این حوزه‌ها را شکل دهد.
- ۲ - حاکمیت و تسلط بر نیمی از خلیج فارس و تنگه هرمز (با توجه به این‌که خلیج فارس دارای ۶۵ درصد از ذخایر نفت جهان است)
- ۳ - داشتن منابع و ذخایر عظیم نفت (حداقل ۱۱/۵ درصد ذخایر قطعی نفت جهان) و گاز (حد اقل ۱۴/۹ درصد ذخایر اثبات شده جهان)،<sup>(۹)</sup> معادن متنوع فلزی و سنگ‌های تزئینی.
- ۴ - وجود تنوع اقلیمی که امکان کاشت محصولات متنوع کشاورزی را فراهم می‌آورد.

- ۵ - منابع کم نظیر آب شیرین در منطقه.
- ۶ - منابع انرژی خورشیدی.
- ۷ - داشتن حوزه نفوذ فرهنگ ایرانی در پاکستان، افغانستان، آسیای مرکزی و حوزه نفوذ ایدئولوژیکی در کشورهای مسلمان.
- ۸ - ایران در مقیاس جهانی در مسیر ارتباطی سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا قرار گرفته است.
- ۹ - ایران در مسیر ارتباطی شمال - جنوب قرار گرفته است (آسیای مرکزی را به آب‌های آزاد دریای عمان و نیز منطقه قفقاز را به خلیج فارس وصل می‌کند). (۱۰)

#### تأثیر عوامل سیاسی بر سیاست خارجی ایران

ایران در حقیقت در منطقه واسط بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است و از حوادث سیاسی این سه قاره متأثر است، بطوری که هر نوع واقعه‌ای که در این قاره‌ها به وقوع بپیوندد و روابط سیاسی - نظامی بین این سه قاره به نوعی بر ایران تأثیرگذار خواهد بود.

به‌عنوان مثال، در جنگ‌های جهانی اول (۱۹۱۹-۱۹۱۴ میلادی) و دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵ میلادی) با این که ایران اعلان بی‌طرفی در جنگ کرده بود، در هر دو جنگ ایران به اشغال نظامی متفقین درآمد. هم‌چنین در اشغال نظامی افغانستان (۱۹۷۹-۱۹۸۹ میلادی) حدود سه میلیون افغانی به ایران پناهنده شدند. هم‌چنین در حمله نظامی آمریکا به عراق (۱۹۹۱ میلادی) هزاران نفر عراقی به ایران پناهنده شدند و رژیم عراق به دلیل ثبات و قدرت سیاسی ایران در مقابل آمریکا تعداد زیادی از هواپیماهای نظامی و غیر نظامی‌اش را به ایران اعزام کرد.

هم‌چنین پس از حمله دوم آمریکا به عراق (۲۰۰۳ میلادی) و پس از گذشت بیش از چهار سال آمریکایی‌ها مجبور شدند به‌طور رسمی برای صلح و امنیت

عراق از ایران درخواست مذاکره کنند که تاکنون چهار دور مذاکرات ایران و آمریکا و عراق در عراق برگزار شده است.

تأثیر نفوذ سیاسی ایران در تشکیل دولت شیعی در عراق و قانون اساسی اسلامی و به طور کلی نفوذ در شیعیان عراق موجب قدرتمندی ایران در معادلات سیاسی عراق شده است.<sup>(۱۱)</sup>

همچنین در جنگ بین دولت تازه به استقلال رسیده تاجیکستان با حزب نهضت اسلامی به رهبری عبدالله نوری با مداخله سیاسی ایران تبدیل به صلح بین طرفین شد<sup>(۱۲)</sup> که تمامی این مسائل سیاست خارجی ایران را از خود متأثر کرده است.

#### تأثیر عامل قدرت بر سیاست خارجی

۱ - ایران با داشتن جمعیتی سه برابر عراق و دوبرابر مجموع کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به عنوان یک قدرت منطقه محسوب می گردد.<sup>(۱۳)</sup>

۲ - داشتن منابع عظیم نفت و گاز به طوری که حجم ذخایر اثبات شده نفت ایران تا سال ۲۰۰۵ میلادی معادل ۱۳۴ میلیارد بشکه یعنی حدود ۱۱/۵ درصد ذخایر اثبات شده جهان و حدود ۱۴/۹ درصد ذخایر اثبات شده گاز جهان است و<sup>(۱۴)</sup> به عنوان یک قدرت منطقه ای محسوب می گردد.

۳ - وجود نیروهای مسلح کارآموده نظامی و قابلیت بالای بهره گیری گسترده از بسیج مردمی و ساخت انواع تجهیزات نظامی جزو قدرت ملی ایران محسوب می گردد.

۴ - تأثیرگذاری ایران در معادلات قدرت و چالش های خاورمیانه به عنوان یک وزن تعیین کننده مانند جنگ ۳۳ روزه لبنان، مسائل فلسطین اشغالی، عراق و ...<sup>(۱۵)</sup>

## چالش‌های فرا روی ایران برای تبدیل به قدرت هژمون در منطقه‌ی آسیای جنوب شرقی

با توجه به سه عامل قدرت، سیاست و جغرافیا که در قسمت‌های قبل به‌طور اجمال بررسی شد، ژئوپلیتیک ایران مهم‌ترین عامل تبدیل این کشور به یک قدرت منطقه‌ای است.

وقوع انقلاب اسلامی موجب بروز تغییرات مهم در نظم امنیتی منطقه گردید. از مهم‌ترین دلایل این دگرگونی که در تعادل قدرت در منطقه بر اثر انقلاب ایران به‌وجود آمد، به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

۱ - یکی از اصول بنیادین انقلاب اسلامی ایران را شعار نه شرقی، نه غربی بنخود اختصاص داده بود و این درست در زمانی بود که نظم جهانی به رهبریت دو قطب آمریکا و شوروی سابق، به نوعی ثبات رسیده بود. نه شرقی، نه غربی در حقیقت به چالش کشیدن این نظم موجود جهانی بود که طبیعتاً نمی‌توانست بدون عکس‌العمل از جانب بلوک‌های قدرت باشد.

۲ - موضوع دیگری که جزو ماهیت انقلاب اسلامی ایران بود، موضع مشخص آن در مقابل حمایت انقلاب اسلامی و نظام ج.ا.ایران از نهضت دوم فلسطین و مقابله با رژیم صهیونیستی بود.

حال آن‌که حمایت همه‌جانبه از رژیم صهیونیستی از ارکان دکترین امنیتی بلوک غرب و به‌ویژه آمریکا می‌باشد و جزو خطوط اصلی قدرت‌های جهانی محسوب می‌شود که تحت هیچ شرایطی حاضر به عقب‌نشینی از مواضع خود در قبال این موضوع نیستند. همین امر یکی از چالش‌های اساسی جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌الملل را به‌خود اختصاص داده است. در حقیقت، ماهیت نظام بین‌الملل در حمایت همه‌جانبه از رژیم اشغالگر قدس و ماهیت انقلاب اسلامی ایران در نفی ارکان وجودی این نظام شکل گرفت. این تعارض در اهداف،



تعارض در کنش در صحنه‌ی بین‌الملل را با خود به همراه داشته و یکی از چالش‌های اساسی جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌الملل را به خود اختصاص داده است.

۳ - اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی، استعفای مرحوم بازرگان و خروج ملی‌گرایان از حکومت جمهوری اسلامی ایران، فصل ختام امید دنیای غرب به سرکردگی آمریکا به داشتن رابطه‌ای مسالمت‌جویانه یا با حداقل تنش با انقلاب ایران بود. تبدیل بزرگ‌ترین متحد راهبردی آمریکا به یک دولت انقلابی با ماهیت ضد آمریکایی آن‌هم در یک دوره زمانی بسیار کوتاه، موضوعی نبود که دنیای غرب به‌رهبری آمریکا آن‌را بپذیرند و در برابرش سکوت کنند.

۴ - نگرانی از صدور انقلاب، تبعات گسترده‌ی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به همراه داشت که از مهم‌ترین عکس‌العمل‌ها در برابر آن می‌توان به تشکیل شورای همکاری خلیج توسط دولت‌های عربی منطقه‌ی خلیج فارس با هدف مقابله با نفوذ ایران اشاره کرد.

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت اصولاً انقلاب اسلامی ایران در تعارض با نظام سلطه‌ی جهانی بوده و این تقابل و رویارویی با قدرت‌های حاکم جهانی، جزو اصول بنیادین انقلاب اسلامی است و ریشه در هویت این انقلاب دارد.<sup>(۱۶)</sup>

بنابراین، می‌توان گفت به علت ماهیت نظام جمهوری اسلامی ایران و جهت‌گیری سیاست خارجی مستقل، موقعیت جغرافیایی ممتاز و حساس و اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک محدودیت‌هایی را برای دستیابی کشور به موقعیت هژمونیک در منطقه ایجاد و تحمیل می‌کند.<sup>(۱۷)</sup>

بر این مبنای، پس از انقلاب تا کنون شاهد حضور فعال قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جهت ایجاد مانع برای گسترش حوزه‌ی نفوذ ایران و

محدودسازی قدرت کشور هستیم که برای نمونه به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

۱ - حمایت سیاسی، نظامی، تبلیغاتی و اطلاعاتی متحد اکثر کشورهای جهان از عراق در مقابل ایران در طول هشت سال جنگ تحمیلی و اهمال و تعلل هدف‌مند سازمان‌های بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد در برابر آن.

۲ - قانون تحریم‌های مالی شرکت‌ها و مؤسساتی که در ایران سرمایه‌گذاری کنند (داماتو) توسط کلیتتون و تمدید سالانه‌ی این تحریم تا کنون.

۳ - تحریم صدور کالاهای راهبردی و تکنولوژیک به ایران.

۴ - فشار آمریکا به کنسرسیوم بین‌المللی نفت آذربایجان که منجر به کنار گذاشتن مسیر مقرون به‌صرفه و امن خاک ایران و انتخاب راه غیر اقتصادی و ناامن روسی که از چین و گرجستان می‌گذرد برای خط انتقال نفت این کشور به اروپا شد و نیز وادار کردن پس گرفتن پنج درصد سهم ایران در کنسرسیوم بین‌المللی نفت آذربایجان توسط آمریکا.<sup>(۱۸)</sup>

۵ - قرار دادن نام ایران در لیست حکومت‌های حامی تروریسم و محور شرارت توسط جرج بوش پسر و تلاش برای انزوای هر چه بیش‌تر این کشور.

با توجه به تلاش‌های صورت گرفته برای جلوگیری از تبدیل ایرن به یک قدرت هژمون در منطقه، دو رخداد مهم اشغال نظامی افغانستان و عراق توسط آمریکا و متحدانش، موجب از بین رفتن دو دشمن راهبردی ایران در منطقه و افزایش حوزه‌ی نفوذ منطقه‌ای ایران شده است. همین امر نیز از جمله عواملی است که سازوکارهای جهانی اعمال فشارهای بیش‌تر بر جمهوری اسلامی ایران برای کنترل نفوذ آن را فعال‌تر کرده که قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل

متحد و نیز اعمال تحریم‌های فراتر از قطعنامه‌ها را در این راستا می‌توان ارزیابی کرد.

در حال حاضر ایران در مناطق ذیل درگیر رقابت بر سر حفظ و گسترش حوزه‌ی نفوذ با قدرت‌های دیگر می‌باشد:

۱ - در منطقه‌ی افغانستان رقابت با نفوذ راهبردی پاکستان، آمریکا و انگلیس و نفوذ ایدئولوژیک عربستان.

۲ - ایران در منطقه‌ی آسیای میانه و قفقاز رقیب ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک ترکیه و رقیب ژئواستراتژیک رژیم صهیونیستی و آمریکا است.

۳ - در منطقه‌ی خلیج فارس رقابت همه‌جانبه با کشورهای این حوزه به رهبری عربستان سعودی.

۴ - در جهان اسلام رقابت بر سر ام‌القری بودن با عربستان سعودی و مصر

۵ - در عراق رقابت راهبردی و نظامی با آمریکا و انگلیس و رقابت ایدئولوژیک با جهان تسنن به رهبری عربستان سعودی.

۶ - در سوریه رقابت راهبردی با آمریکا، در لبنان رقابت با آمریکا و فرانسه و عربستان سعودی، در فلسطین اشغالی رقابت با رژیم صهیونیستی و جهان عرب به رهبری مصر و عربستان سعودی.

### نتیجه‌گیری

توجه عمیق به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و نقش آن در سیاست خارجی روشن می‌کند که:

۱ - صرف‌نظر از نوع حکومتی که در منطقه جغرافیایی ایران حکومت می‌کند، ژئوپلیتیک ایران اقتضائات ماهوی را در سیاست خارجی ایران به‌دنبال دارد که یکی از مهم‌ترین بسترهای سیاست خارجی ایران را به‌وجود می‌آورد. (۱۹)

- ۲ - در ایران نوعی تجانس اکثریت ملت را در حوزه دینی شاهد هستیم که پیوند آن با نوع خاص حکومت مردم‌سالاری دینی این کشور، نوع سیاست خارجی ایران را در قبال سایر کشورهایی که در این حوزه دارای تجانس دینی با ایران هستند، تعیین می‌کند (مانند تداوم سیاست خارجی ایران در قبال مردم فلسطین و حمایت اکثر مردم ایران از آن).<sup>(۲۰)</sup>
- ۳ - کشور ایران در جنوب غربی آسیا از یک موقعیت جغرافیایی غیر قابل جایگزین و منحصر به فرد برخوردار است که این موقعیت جغرافیایی در طول تاریخ ایران و دولت‌های مختلف نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست خارجی بین‌المللی و منطقه‌ای و فرایندهای همگرایی، واگرایی و کشمکش‌ها داشته است.
- ۴ - قدرت دولت‌های حاکم بر ایران، چه‌گونه‌ی روابط سیستمی دولت‌ها و بازیگران درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای را به‌صورت پنهان و آشکار شکل می‌دهد و تأثیر دو جانبه‌ای داشته است.
- ۵ - هم‌اکنون ایران با نسبت ژئوپلیتیکی بالا در حوزه‌های سیاست، اقتصاد، امنیت و فرهنگ مناطق پیرامونی (خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز) تأثیرگذار است و از این توانمندی و ظرفیت در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای و بین‌المللی بیش‌ترین بهره را برای تأمین منافع ملی و امنیت ملی خود می‌تواند ببرد.
- ۶ - ایران تنها کشوری است که به هر دو حوزه انرژی (نفت و گاز) خلیج فارس و دریای خزر دسترسی مستقیم دارد و نیاز قدرت‌های بزرگ صنعتی به انرژی این مناطق، روابط سیاسی مناسب با ایران را می‌طلبد و ایران در سیاست خارجی خودش می‌تواند از این موضوع بهره‌گیری نماید.
- ۷ - قرار گرفتن کشور ایران در مسیر ارتباطات سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا

و در مسیر دسترسی کشورهای تازه استقلال یافته اتحاد شوروی سابق به آب‌های آزاد، ایران را به یک منطقه‌ی فعال ژئواکونومیکی، ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی تبدیل کرده است.

۸ - حفظ و گسترش حوزه‌ی نفوذ کشور در منطقه با چالش‌های اساسی روبه‌رو است که باید به‌دقت مطالعه و پژوهش شود و با توجه به روش‌های علم آینده‌پژوهی درباره‌ی سناریوهای مختلف به تدوین راه‌کارها، تاکتیک‌ها و راهبردهای کلان پرداخت.

## منابع

- ۱ - علی اصغر کاظمی، "دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی در روابط بین‌الملل"، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۹.
- ۲ - جواد اطاعت، "ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران"، نشر انتخاب، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۶.
- ۳ - محمد رضا حافظ نیا، "اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک"، انتشارات آستان قدس، ۱۳۸۵، ص ۳۷.
- ۴ - طرح از کتاب اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، محمد رضا حافظ نیا.
- ۵ - همان منبع صص ۱۱۲ و ۱۱۱.
- ۶ - حافظ نیا و کاویانی راد، "افتق‌های جدید در جغرافیای سیاسی"، تهران، سمت، ۱۳۸۳، صص ۷۶-۷۳.
- ۷ - محمد رضا حافظ نیا، "اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک"، انتشارات آستان قدس، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲.
- ۸ - سید محمد کاظم سجادیپور، مجموعه مقالات کنگره علمی انجمن ژئوپلیتیک ایران، ۱۳۸۴، ص ۱۲۸.
- 9 - <http://www.bp.com/statisticalreview> headers.
- ۱۰ - سید یحیی (رحیم) صفوی، "جغرافیای سیاسی نظامی ایران"، جلد ۱، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۱، صص ۸۷ و ۸۶.
- ۱۱ - مصاحبه اختصاصی نگارنده با دکتر سید یحیی (رحیم) صفوی ۱۳۸۶/۱۰/۱۵.
- ۱۲ - کشورهای مستقل مشترک المنافع، گیتاشناسی ۱۳۷۴ ص ۷۰.
- ۱۳ - مصاحبه اختصاصی نگارنده با دکتر سید یحیی (رحیم) صفوی ۱۳۸۶/۱۰/۱۵.
- 14 - <http://www.bp.com/statisticalreview> headers.
- ۱۵ - مصاحبه اختصاصی نگارنده با تنی چند از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران و مسئولین وزارت امور خارجه.
- ۱۶ - مصاحبه‌ی اختصاصی نگارنده با دکتر منوچهر محمدی، رئیس دفتر مطالعات وزارت

امور خارجه.

۱۷ - محسن رضایی، "ایران منطقه‌ای"، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۴، ص ۲۳۴.

۱۸ - پیروز مجتهدزاده و سهراب عسگری، "جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک"، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۵، ص ۲۴۱.

۱۹ - مصاحبه اختصاصی نگارنده با دکتر سجادپور ۱۳۸۶/۹/۵.

۲۰ - مصاحبه اختصاصی نگارنده با دکتر حافظ نیا ۱۳۸۶/۸/۱۶.

